

## اقلیت 85 درصدی در جمهوری آذربایجان



آذربایجان از منظر نسبت شیعیان، بعد از ایران دومین کشور شیعه‌نشین به شمار می‌رود؛ اما در چند دهه اخیر، با اعمال نفوذ آشکار صهیونیسم، دوباره محدودیت‌های زیادی بر ایشان اعمال شده است.

به گزارش آران نیوز: کشور «جمهوری آذربایجان»، از همسایه‌های شمالی ایران، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در 1991م اعلام استقلال کرد. این کشور نیمه کوهستانی با جمعیتی حدود 10 میلیون نفر، علاوه بر منابع عظیم نفت و گاز، دارای منابع غنی مس، آهن و آلومینیوم نیز هست و پنبه، غلات، توتون و چای، از محصولات کشاورزی آن به شمار می‌رود. درآمد‌های سرسام‌آور نفتی و کشاورزی این کشور، با اصلاحات اقتصادی و اجتماعی همراه نیست و قدرت سیاسی در آذربایجان، ساختاری به ظاهر دموکراتیک دارد. این قدرت مطلقه بیش از دو دهه است که در دست خاندان علی‌اف قرار دارد.

آمارها نشان می‌دهد که حداقل 96% مردم جمهوری آذربایجان را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بیش از 85% آنها شیعه دوازده امامی هستند. آذربایجان از منظر نسبت شیعیان، بعد از ایران دومین کشور شیعه‌نشین به شمار می‌رود؛ اما در چند دهه اخیر، با اعمال نفوذ آشکار صهیونیسم، دوباره محدودیت‌های زیادی بر ایشان اعمال شده است.

پیشنه و آمار شیعه

مذهب تشیع در آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و آیین اکثر مردم آنجا شد. بر اساس آمار «مجمع جهانی اهل بیت (ع)» در سال 2008م از مجموع 8.587.000 جمعیت کشور آذربایجان، شیعیان 7.329.863 نفر می‌باشند؛ که درصد ایشان نسبت به کل جمعیت کشور، 85% است.

در بین اقوام ساکن آذربایجان «آذری‌ها» بیشترین سهم و تعداد را در جمعیت شیعه کشور دارند و بعد از آن «تالش‌ها» قرار دارند. لزگی‌ها، تاتارها، کردها و آوارها، از دیگر اقوام مسلمان هستند که شیعیان در بین آنها در قالب اقلیت وجود دارند.

شیعیان جمهوری آذربایجان در دوره‌های مختلف تاریخی، در برابر جریان‌های تضعیف‌کننده، اعتقادات مذهبی خود را حفظ نموده‌اند. یکی از این جریان‌ها نفوذ و تأثیر «امپراتوری عثمانی» بود که به منزله مدافع مذهب تسنن در برخی دوره‌ها به شکل جنگ‌های مسلحانه رودر روی شیعیان ایران و سرزمین کنونی جمهوری آذربایجان قرار می‌گرفت.

جریان دوم حاکمیت «امپراتوری تزار روسیه» بود که پس از جدا شدن آذربایجان از ایران در پی گسترش و تسلط دین مسیحیت (ارتدوکس شرقی) در این دیار نفوذ کرد.

جریان سوم که ماهیت ضددینی داشت، تسلط «ایدئولوژی کمونیسم» در آذربایجان بود که در پی استحاله کامل و همه‌جانبه اقوام ساکن در شوروی برآمد. در فرآیند استحاله شهروندان، هویت دینی آنها بیش از سایر خصیصه‌ها صدمه دید؛ زیرا ایده کمونیسم - لنینیسم دین را افیون توده‌ها می‌دانست و درصدد محو تعلقات دینی همه شهروندان (اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و...) بود. در بین جریان‌های ضد شیعی یاد شده، دو جریان اول نتوانستند، صدمه اساسی بر شیعه‌گری مردم آذربایجان وارد نمایند و منشأ تغییر و تحول نبودند؛ اما جریان کمونیستی استحاله‌گر با رویکرد آتئیستی توانست صدمات جبران‌ناپذیری بر موجودیت و هویت شیعیان آذربایجان وارد نماید.

دفاع خونین شیعه

شیعیان آذربایجان از دیر باز به حفظ شعائر مذهبی و انجام فعالیت‌های دینی اهتمام داشته‌اند. در دوره‌های حاکمیت تزارها و شوروی، این تلاش‌ها به شکل مبارزات دینی بروز می‌نمود. این مبارزات اغلب به دلیل ماهیت استبدادی نظام‌های غیرمسلمان حاکم بر آذربایجان، پس از چند سال و با کشتارهای برنامه‌ریزی شده و وسیع دینداران و عالمان، خاموش می‌گشت. در ادامه نمونه‌هایی از این کشتارها و مقاومت شیعیان اشاره می‌شود:

\* در اوایل دهه 1920م در پی آغاز نظارت‌های شدید کمونیستی و محو شعائر مذهبی به دستور لنین، 800 عالم شیعی در آذربایجان شهید شدند که از این تعداد 17 نفر از آنها در حوزه‌های علمیه نجف، قم و مشهد تحصیل کرده و دارای درجه اجتهاد بودند. برجسته‌ترین این مجتهدان شهید آیت‌الله سید عبدالغنی بادکوبه‌ای و آیت‌الله شیخ قدرت‌الله ابراهیمی بودند که به طرز فجیعی اعدام گردیدند.[1]

\* در فاصله 10 ساله (بین سال‌های 1929 تا 1939م) بیش از سیصد هزار نفر از مسلمانان/شیعیان جمهوری آذربایجان توسط تشکلات مخوف کمونیستی، قتل‌عام شدند. در این سال‌ها تعقیب علمای دینی که اکثر آنها شیعه بودند، به طور جدی دنبال می‌شد؛ قرآن کریم به منزله یک «کتاب زبان‌آور» ممنوع بود و مساجد تخریب و یا تبدیل به انبار، کلوب، کتابخانه و یا مدرسه می‌شدند! مأموران نظام کمونیستی علما و روحانیون را وادار به کارهای ضددینی از جمله سوزاندن قرآن می‌کردند و با مشاهده مقاومتشان آنها را در چاه‌هایی که «نارگین» نامیده می‌شد، انداخته و چاه را با دینامیت منفجر می‌کردند! و یا اقدام به بستن وزنه به پای روحانیون کرده و آنها را به دریا می‌انداختند! شاهدان این ماجراها نقل می‌کنند که عمایه‌های سفید روحانیون غرق شده چنان سطح آب دریا را می‌پوشاند که از دور دسته پرنندگان دریایی یا کبوتران سفید را در ذهن تداعی می‌کرد. تبعید علما به مناطق سیبری و تیرباران آنها نیز از دیگر شیوه‌های رایج کمونیست‌ها بود.

شیعه و حاکمیت

استقلال جمهوری آذربایجان در 1991م و تشکیل دولت ملی به دست شیعیان، فرصت مناسبی برای پیروان این مذهب بود تا از تنگنای نظام ضددینی شوروی بیرون آیند و به احیای مذهب خود همت گمارند؛ که در عمل خلاف آن تحقق یافت. با اختصاص بالاترین سهم از جمعیت به شیعیان و نیز داشتن اکثریت در قوم غالب (آذری‌ها)، حاکمیت و دولت نیز به طور یکدست و کامل در دست آنها (آذری‌های شیعه) قرار گرفت. حاکمیت در آذربایجان به شکل ریاستی در دست رئیس‌جمهور قرار دارد و رؤسای قوای دیگر نیز از حیث قومی و مذهبی شیعیان آذری هستند.

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور کنونی آذربایجان، پس از پدرش حیدر علی‌اف در سال 2003 م به قدرت رسید. وی در همه‌پرسی سال 2009 م، قانون اساسی این کشور را تغییر داد که بر اساس آن مادام‌العمر می‌تواند نامزد ریاست جمهوری شود! به ویژه پس از تکیه‌زدن وی بر کرسی ریاست جمهوری، بیشترین میزان نزدیکی سیاسی، اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی آذربایجان با آمریکا و اسرائیل رقم خورده است.

تحلیلگران مسائل آذربایجان بر این باورند که پس از استقلال این جمهوری طی مدت 5 سال اول، رشد و گسترش اندیشه‌های ایرانی در آن کشور بسیار درخور توجه بوده است. ارتباط سهل و روان شیعیان آذربایجان با ایران به ویژه مناطق آذری‌نشین، عامل مهمی بود که سبب تقویت روحیه مذهبی در شیعیان آذربایجان می‌گشت. سفرهای زیارتی شیعیان آذربایجان به ایران به ویژه مشهد مقدس و تحصیل طلاب علوم دینی این کشور در حوزه‌های علمیه ایران نیز سبب تحکیم جایگاه شیعه در آذربایجان می‌شد. اما به مرور، دوره افول و تضعیف فرهنگ دینی - اجتماعی شیعی ایرانی در این جمهوری آغاز شد. دلایل پیش آمدن چنین وضعیتی عموماً عدم همکاری دولت باکو در نتیجه تلاش‌های گسترده محافل غربی و صهیونیستی عنوان می‌شود. ضعیف بودن بنیان دینی مردم در اثر زیستن طولانی مدت در محیط ضددینی کمونیسم نیز از علل بروز این وضع برشمرده می‌شود.

علی‌رغم این تحول، علمای شیعه ایرانی هنوز جایگاه درخوری در کشور آذربایجان دارند. علاوه بر دیدگاه‌ها و تفکرات دینی - سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های فقهی و سیاسی مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی، مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا جواد تبریزی و آیت‌الله العظمی سیستانی، طرفداران مشخص خود را در آن کشور دارد. [2]

#### چالش‌ها

گروه‌های مسیونری مسیحی و یهودی بعد از توجه دولت باکو به اعطای آزادی فعالیت‌های دینی - مذهبی، گسترش درخور توجهی در کشور یافته‌اند. فعالیت این گروه‌ها که از نظر قانونی ثبت شده هستند، در کنار اهتمام دولت به بازسازی و احیای فعالیت مکان‌های مذهبی مسیحی و یهودی، نمود بارزی پیدا کرده است. «بنیاد سوروس» که توسط جورج سوروس شهروند آمریکایی یهودی‌تبار - و با دارا بودن شعبه‌های متعدد در کشورهای مختلف جهان - هدایت می‌شود، مهم‌ترین این گروه‌ها در آذربایجان به شمار می‌رود. این بنیاد در کنار تبلیغ دینی به اقدامات عام‌المنفعه مختلفی در این کشور دست می‌زند. هرچند بنیاد سوروس در آذربایجان به اندازه برخی دیگر کشورها نظیر گرجستان موفق نبوده است - که بدون شک اقدامات متقابل و افشارگری‌های شیعیان در این عدم موفقیت نقش داشته - ولی تاکنون در جامعه محدود آذربایجان چند هزار نفر از مسلمانان را از دین خود خارج کرده‌اند! پیروان «بهائیت»، «وهابیت»، «کریشنا»، «یهوا» و ... نیز در آنجا پایگاه‌های رسمی دارند.

باید دانست که تسنن در آذربایجان تهدید اساسی برای تشیع نیست. بسیاری بر این باورند که اهل سنت آذربایجان در طول سال‌های استبداد ضددینی کمونیسم، اتحاد محکمی با تشیع ایجاد کرده‌اند که اثرات آن در احترام به مناسک مذهبی شیعیان مانند عزاداری‌های ماه محرم و... جلوه‌گر است. [3]

متأسفانه در آمارهای جهانی جمهوری آذربایجان جزو ده کشوری است که بالاترین نرخ شیوع رشوه را دارد. این در حالی است که بر طبق ارقام رسمی، 40% جمعیت روستایی این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی «گزارشگران بدون مرز»، جمهوری آذربایجان از لحاظ آزادی مطبوعات در بین 179 کشور، رتبه 162 را در جهان داراست. این کشور در طول سال 2011 م و پس از آن یکی از مهم‌ترین مراکز اعمال فشار در برخورد با حق آزادی بیان و اندیشه بوده است. افزایش تحرکات اسلام‌ستیزانه/شیعه‌ستیزانه از جمله: بازداشت و مجازات روزنامه‌نگاران، خراب کردن خانه‌های مخالفان، دستگیری فعالان مذهبی و برخورد خشن دولت با برگزاری تجمعات مردمی، از مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر در این کشور است.

این کشور با ایده برگزاری مسابقات رقص و آواز اروپا با عنوان «یورو ویژن» سعی می‌کند علاوه بر کسب عایدات هنگفت مادی، شهرت جهانی نیز کسب کند! برگزاری این مسابقات نمونه علنی سرکوب اعتقادی و مذهبی مردم مؤمن این کشور است. البته ناسازگاری فرهنگی - مذهبی مسابقات اروپایی رقص با فرهنگ عمومی آذربایجان، و نیز دیگر سیاست‌های ضد دینی از جمله ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس، تخریب مساجد و مراکز اسلامی و دستگیری و شکنجه علما و اعضای «حزب اسلامی آذربایجان» به دلیل فعالیت‌های مذهبی و دینی، راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز زیادی را در شهرهای مختلف این کشور برپا کرده است.

منبع: فارس

سید مجتبی مجاهدیان